

زنگ خطر سوم.

گرچه در سی سال اخیر چندین زنگ خطر در وطن عزیز ما افغانستان نواخته شده که اول آن کودتای خونین اپریل 1978 م و به تعقیب آن اشغال افغانستان عزیز توسط قشون سرخ در دسمبر 1979م سپس 16 اپریل 1992م و سپتمبر 1996م آغاز دوره های سیاه ربانی و ملا عمر و بالاخره 12 دسمبر 2001م اشغال افغانستان توسط قوای نظامی اضلاع متحده امریکا و بریتانیا بود که بتدریج وطن عزیز ما را بطرف تجزیه میکشانند که علایم آن بوضاحت از آغاز در کنفرانس بن- مداخله زلمی خلیل زاد در به اصطلاح لویه جرگه ها و تشکیل حکومت های مؤقت و انتقالی- تدوین قانون اساسی امریکائی انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه و ایجاد قوای سه گانه متشکل از جنگسالاران - قاتلان- چپاولگران - دزدان و تعداد محدود از وطنداران پاک و وطن دوست بدون صلاحیت در دستگاه دولتی و ولسی جرگه معلوم بود. که نویسندگان در مقالات متعدد خود عواقب ناگوار اشغال وطن را که به همکاری تعدادی از هموطنان خودکش بیگانه پرست صورت گرفت، به توجه هموطنان عزیز رسانیده ام که از جمله دو مقاله آن نظر به اهمیت موضوع تحت عنوان زنگ خطر تحریر گردیده بود یعنی، اولی تحت عنوان "حادثه 29 می یا زنگ خطر" بتاریخ 3 جون 2006م میباشد که بعد از کشتن غیر مسؤولانه هموطنان عزیز ما توسط تانکهای امریکائی در خیرخانه و به تعقیب آن با سرازیر شدن هزاران هموطن با حمل بیرقهای سرخ و سبز، با بازوبند ها و عکسهای احمد شاه مسعود و دا کتر نجیب بعد از یکی دوساعت از وقوع واقعه در خیابانهای شهر کابل که نماینگر اتحاد نامقدس دو گروه شناخته شده بود که عواقب ناگوار آنها برای مادر وطن عزیز خود زنگ خطر احساس میکردم. دومی تحت عنوان "زنگهای خطر" بتاریخ 15 مارچ 2007م میباشد که بعد از اعلان مصوبه مصالحه ملی" و به تعقیب آن "جبهه اتحاد ملی" بود که به وضاحت از آن بوی تفرقه بین قوه مقننه (ولسی جرگه) و قوه اجرائیه و بهره برداری قوای اشغالگر متخاصم امروزی و دیروزی بود که قسمتی از مقاله مصوبه مصالحه ملی چنین بیان میکند .

"هموطنان نهایت عزیز باید بدانیم که مصوبه مصالحه ملی و اشغال موسی قلعه و به تعقیب آن رفتن محترم حامد کرزی برای ملاقات با تونی بلیر صدراعظم انگلستان حادثه تصادفی نیست بلکه توطئه و دسایس قوای اشغالگر و حکومت پاکستان است تا دولت افغانستان را به زانو در آورده و موضوع خط سیاه دیورند را بالایا به رسمیت شناخته و قدرت اشغالگر امریکا پایگاه نظامی خود را در بدل عفو جنایتکاران تحت عنوان مصالحه ملی بر ملتی که با فقر و بیچارگی و بردگی دست و پنجه نرم میکند بقبولانند" و همزمان به آن امریکا هفتصد میلیون دالر را به حامی طالبان بنام بستن راه عبور طالبان از پاکستان به افغانستان برای پاکستان منظور نمود .

به تعقیب آن سفیر جدید بریتانیا از تزايد و اقامت عساکر شان برای مدت بیش از سی سال حرف زد و همچنان در روزنامه مورخ 15 اکتوبر 2007م گاردین خبری از قول طالبان به نشر رسید که گویا طالبان سه شرط را برای مذاکره با دولت آقای کرزی پیشنهاد نموده اند که یکی آن سپردن اداره ده ولایت پشتون نشین به طالبان

بود که از طرف طالبان فوری رد گردید بنده بفرمای آن صدای خطر توطئه آمریکا و بریتانیا را از طریق تلویزیون آریانا افغانستان بلند نموده و از طریق آقای مسکینیار از هموطنان عزیز خواهش نمودم که اگر سازمان ملل متحد وزارت خارجه آمریکا است و یا خیر وظیفه همه افغانان است که صدای برحق خود را در ارتباط افغانستان یکپارچه و غیر قابل تجزیه بلند نمایند.

چندی قبل به تعقیب اشغال موسی قلعه که پایگاه نظامی بریتانیا در هلمند بود قوای نظامی بریتانیا در هلمند اظهار داشت که ولسوالی های موسی قلعه و همجوار آن توسط ریش سفیدان محل اداره میشوند اما در واقعیت امر بعد از قول سخنگوی وزارت دفاع افغانستان آقای عظیمی و نشان دادن بعضی تصاویر معلوم شد که از موسی قلعه مرکز تربیه تروریستان القاعده برای افغانها - اعراب و چینپائی ها و همچنان مرکز پراسس تریاک ساخته اند. بتاريخ 20 نومبر زنگ خطر دیگری بصدا در آمد که از آن بدون شک بوی پر خون تجزیه افغانستان به مشام میرسد و آن عبارت از اینست که نیویارک تایمز مینویسد که کانگره آمریکا فیصله نموده که برای مبارزه با طالبان در مناطق سرحدی یعنی در ماورای خط سیاه دیورند آمریکا قوای شبه نظامی را سازماندهی میکند که به عقیده من این حيله و نیرنگ دیگری برای مقدمه تشکیل یک حکومت برای پشتونهای هر دو طرف خط سیاه دیورند می باشد.

در اینجاست که ملت قهرمان افغان بار دیگر در یک آزمایش بس مهم قرار میگیرند و آن اینست که با قبولی غلامی تمام افتخارات نیاکان را خط بطلان بکشند و با خجالت و شرمساری غلامی و تجزیه وطن را قبول نمایند و یا با سر بلندی چون نیاکان خود از یکپارچگی - آزادی و استقلال افغانستان و فرزندان مظلوم و ستمدیده آن الی آخرین رمق حیات خود قهرمانه دفاع نمایند.

هدف من اینست که ملت با شهامت افغان در هر جا که هستند تحت یک نام افغان اتحاد آهنین خود را صادقانه و صمیمانه بنام خداوند متعال اعلان و با یک صدای واحد از حفظ یکپارچگی - آزادی و استقلال افغانستان عزیز با براه انداختن مبارزات مسالمت آمیز خود یعنی با اجتماعات خیابانی، سخنرانیها و کانفرانسها در رادیوها و تلویزیون های افغانی خارج مرزی- نوشتن مکاتیب به سازمان ملل متحد - کانگرس آمریکا - کشور های صلحدوست - رهبران کشورهای اقامت شان- اعضای وطن دوست ولسی جرگه و نشر مقالات در ویب سایت ها و نشرات در روزنامه ها - هفته نامه ها و ماه نامه های داخل و خارج کشور عزیز ما افغانستان براه اندازند تا مادروطن خود را از بدبختی نجات و روح نیاکان را شاد سازیم .

هموطنان عزیز لطفاً بیدار شوید!! بیدار شوید!! از خواب غفلت برخیزید!! یک مشت آهنین شوید مادر وطن را نجات دهید و به افتخار و سرافرازی زیست کنید.

خداوند نگهبان افغانستان یکپارچه و ملت باشهامت افغان باد.

پایان